

۲۵ ژوئن ۲۰۰۴

کتاب خاطرات بیل کلینتون رییس جمهور سابق آمریکا

عبدی کلانتری

این روزها نام بیل کلینتون بار دیگر در آمریکا بر سر زبان هاست. رییس جمهور سابق، خاطرات اش را در کتاب قطوری به حجم نهصد و پنجاه و هفت صفحه، به نام «زندگی من»، به چاپ رسانده که از سه روز پیش در کتابفروشی های آمریکا به معرض فروش گذاشته شده است. در روز نخست فروش، بیش از دوهزار نفر، دوازده ساعت در صف ایستاده بودند تا بتوانند نسخه ای از کتاب را بخرند و شاید از خود او هم روی کتاب شان امضایی بگیرند. بیل کلینتون، پس از چهار سال که از پایان ریاست جمهوری اش می گذرد، هنوز محبوب ترین چهره سیاسی آمریکا به حساب می آید. کتاب اش با جلد ضخیم به تعداد یک و نیم میلیون نسخه از چاپ اول درآمده و او مبلغ ده میلیون دلار حق تحریر مقدماتی گرفته است. ناشر از هم اکنون سفارش چاپ دوم را داده است.



نیمی از کتاب کلینتون شرح حال بزرگ شدن او در خانواده ای فقیر در ایالت کوچک آرکانزاس، و نیمی دیگر داستان وقایع ریاست جمهوری او و شرح تراژدی های خصوصی و دشواری های عمومی و مشکلات سیاسی او در کاخ سفید است. از جمله قصه رسوایی آور عشق بازی هایش با یکی از کارکنان جوان کاخ سفید به نام مانیکا لویینسکی، که نزدیک بود به بهای استیضاح و اخراج او از مقام اش تمام شود.

از زمان ریاست جمهوری جان اف کندی، هیچ رییس جمهور دیگری به جز رانالد ریگان و بیل کلینتون، وجهه و محبوبیت کندی را نداشته است. ریگان و کلینتون، که به دو اردوگاه مخالف سیاسی تعلق دارند و

هریک دو دوره کامل ریاست جمهوری را خدمت کردند، جایگاه ویژه ای در قلب آمریکایی ها دارند. این دو با شخصیت هایی صدو هشتاد درجه متفاوت با یکدیگر، محبوب ترین چهره های سیاسیِ چهل سال اخیر آمریکا بوده اند.



در خاطرات خود، کلینتون از کودکی اش می نویسد که پدرخواندهء دائمی الخمرش مدام به جان مادرش می افتاد و او چاره ای نمی دید جز اینکه با همهء خردسالی اش، به کمک چوب بازی گلف، از مادرش دفاع کند. از همان زمان یاد می گیرد که شرم و رسوایی های خانوادگی را باید در خودش پنهان نگهدارد و رازها را حتا با دوستان اش هم در میان نگذارد. کلینتون در کتاب اش از «زندگی های موازی» صحبت به میان می آورد، به معنی اینکه موازی با زندگی اجتماعی و سیاسی اش، زندگی های دیگری را ملامت از کمبودها و تلخی ها و فشارهای روانی تاب می آورده و در خفا دست به کارهایی می زده که شرم آنها را هم می بایست با خود و در خود حمل کند. بسیاری از دشمنان کلینتون او را متهم می کنند که در شرایط سخت او همیشه به نفع خود به دوستان اش پشت کرده و فرصت طلبانه آنها را تنها گذاشته است. در پی

بازجویی هایی که از معاملات اقتصادی و بده بستنهای مالی او و همسرش سال ها ادامه داشت، تعدادی از نزدیکان کلینتون به زندان افتادند. کلینتون می نویسد چگونه مردی که قدرت مند ترین مقام سیاسی دنیا را دارد می تواند همزمان در بسیاری امور قضایی یا سیاسی ناتوان باشد، حتا ناتوان از اینکه به دوستان وفادارش کمک کند تا بهای دوستی او را با زندان نپردازند.

محبوبیت کلینتون ناشی از شخصیت پیچیده و چند جانبه اوست. او تنها رییس جمهوری بود که سخنرانی هایش را کس دیگری برای او نمی نوشت، زیرا بسیار کتاب خوانده بود و بر بسیاری از موضوعات سیاسی، اقتصادی و حقوقی احاطه داشت. او می توانست همزمان هم به ریشه های فقرزده کودکی اش باز گردد و با جماعت سیاهان جنوب، که با آنها بزرگ شده بود، با زبان خودشان صحبت کند، و هم اینکه با مهمترین روشنفکران و نویسندگان غرب و شرق بر سر میز شام، با احاطه کامل از آثار آنها صحبت کند، چنانکه گابریل گارسیا مارکز، سلمان رشدی و واسلاو هاول بارها این نکته را متذکر شده اند. نویسنده سیاهپوست و پرشهرت آمریکایی تونی موریسون با تحسین درباره کلینتون گفته است که او «تنها رییس جمهور سیاهپوست ما بود.»

در مصاحبه ای رادیویی کلینتون می گوید به هنگام رسوایی ماجرای عاشقانه اش و خطر استیضاح، نلسون ماندلا به او شهادت داد تا بتواند با توان کامل به وظایف خطیر ریاست جمهوری اش پردازد. در همین مصاحبه می گوید: حتا زمانی که در مقام قدرت ایم نباید بیم آن را داشته باشیم که هراز چندگاه یک بار، در برابر چشمان مردم شرمسار شویم. این ما را فروتن تر خواهد کرد. ما را انسان تر خواهد کرد.

عبدی کلانتری - نیویورک

۲۵ ژوئن ۲۰۰۴

